



روز ۱۵ ثور ۱۳۰۶ خورشیدی در تاریخ مطبوعات افغانستان روزی مهم به شمار می‌رود و برای همیشه ماندگار و به یادماندنی خواهد بود. مرحوم «محمی‌الدین انیس» در این روز سنگ بنای روزنامه‌ای را گذاشت که بعدها یکی از معتبرترین روزنامه‌های افغانستان گردید؛ روزنامه‌ای که انتشار آن تا امروز به‌طور مستمر و بدون وقفه ادامه دارد و امروزه یکی از باسابقه‌ترین روزنامه‌های افغانستان است.

به‌جاست که نگاهی بیندازیم به شکل‌گیری اولیه این روزنامه که تحت عنوان «انیس» با به صحنه مطبوعات نهاد.

آن‌گونه که در شرح حال مرحوم محمی‌الدین انیس آمده است، وی تحصیلات مقدماتی را در مصر انجام داد و با زبان و ادبیات عرب به خوبی آشنا بود. او قصد داشت که بعد از اتمام تحصیلات به افغانستان مراجعه کند که از حسن تصادف در سال ۱۳۰۰ خورشیدی با «محمد اسماعیل» مشهور به «افندی» آشنا شد. افندی از طرف حکومت وقت افغانستان مأمور شده بود تا از مصر یک دستگاه چاپ با تمام امکانات برای افغانستان خریداری نماید. او که دریافت محمی‌الدین انیس قصد بازگشت به افغانستان دارد، او را برای بازگشت به کشور تشویق کرد.

مرحوم انیس بعد از مشورت با پدر خود تصمیم گرفت که راهی افغانستان شود. اولین شهری که انیس بعد از مراجعت از مصر در آن پا گذاشت، هرات بود. وی حدود دو سال در شهر هرات اقامت داشت. محل زندگی او در این شهر، در مسجد «سعدیه» بود که وی روز و شب را در آنجا سپری می‌کرد.

از آنجا که مرحوم انیس به خاطر دور بودن از افغانستان، به زبان و ادبیات دری آشنایی چندانی نداشت، ادبیات دری و نویسندگی به این زبان را در همان مسجد سعدیه هرات فراگرفت و کتابی هم به شیوهٔ مکاتبه و مناظره دربارهٔ مزیای قانون نوشت به نام «ندای طلبهٔ معارف» که قسمتی از آن کتاب، چندی بعد در مطبوعهٔ دانش هرات به چاپ رسید

انیس و یاران او

نگاهی به شکل‌گیری روزنامهٔ انیس

□ بصیر احمد حسین‌زاده

و نسخهٔ کامل آن در نزد شمس‌الدین کتابفروش بود.^۱

مرحوم انیس در اواخر سال ۱۳۰۲ خورشیدی هرات را به مقصد کابل ترک کرد. وی پس از ورود به کابل در بازار «محمدجان‌خان غازی وات» اقامت اختیار کرد. تنها سرمایه‌های او در آن زمان، چند جلد کتاب و مجله بود. پس از جایگزین شدن در کابل، فکر انتشار یک جریده، انیس را به خود مشغول داشت. این فکر، همه چیز او شده بود تا این‌که در این کار جدی شد و عزم جزم کرد که روزنامه‌ای منتشر کند. به فکر رنگ و کاغذ و چیزهای دیگری که او در آن زمان احساس می‌کرد برای یک روزنامه لازم است افتاد و بعد از سعی فراوان، موفق شد که آنها را تهیه کند.

یکی از دوستان نزدیک مرحوم انیس در خاطرات خود آورده است که او حتی در زمانی که در هرات ساکن بوده، به فکر تأسیس روزنامه افتاده بوده است. مرحوم «حاجی عبدالحمید منجم‌باشی» از دوستان نزدیک مرحوم انیس چنین نقل می‌کند: «روزی شخصی در هرات، جوانی به نام ابراهیم را گرفته و به‌خاطر مسایل شخصی که با او داشت، به او همت تکثیر زد و مردم آن جوان را کشتاکشان به طرف محکمه می‌بردند... در این اثنا محمی‌الدین که ما او را مولوی افندی می‌گفتیم، با ایشان مصافح شد و کیفیت را پرسید. وقتی گفتند او حرف کفرآمیز زده است، با فصاحت بیان آن مردم را آرام ساخت و جوان مذکور را از چنگ ایشان نجات داد و با خود به مدرسه برد و سفارش کرد که برای چند ماهی از هرات دور شود. بعد از آن روز، محمی‌الدین مرحوم به فکر تأسیس روزنامه‌ای که براساس وحدت ملی متکی باشد، افتاد و همیشه می‌گفت: تا زمانی که از راه قلم افکار مردم تنبیر نشود، همیشه تعصب جاهلانه بر این کشور حکمفرما خواهد بود. و عاقبت یک روز شنیدم که به کابل رفته و روزنامه‌ای به نام «انیس» نشر می‌کند.»^۲

به‌هر صورت، مرحوم انیس بعد از تلاش‌های فراوان و با یافتن چند

نفر همکار برای کار در روزنامه، سرانجام موفق شد که در روز ۱۵ ثور ۱۳۰۶ خورشیدی اولین شمارهٔ روزنامهٔ انیس را به صاحب‌امتیازی و مسؤولیت خود در ۲۵ نسخه منتشر کند.^۳

او در سرمقالهٔ اولین شمارهٔ روزنامه که درست ۷۲ سال پیش به نشر رسید، چنین آورده است: «انیس، طفلک نوزادی است در عالم مطبوعات. می‌خواهد در اوقات فراغ، ندیم؛ در ساعت‌های کار، معاون؛ در امور مشکله، مشاور؛ در حالات غم و اندوه، سمیرهٔ الحاصل در حیات تیری و عملی عموم گردد و...»^۴

مرحوم انیس با درج آن جملات در سرمقالهٔ نخستین شمارهٔ روزنامه خواست بگوید که هدف از نشر آن، خدمت به جامعه است. باز در همان سرمقاله می‌خوانیم: «انیس از روزی که قصد به وجود آمدن را داشت، فریضهٔ خدمت را بر خود فرض کرده»^۵

مرحوم انیس در نخستین شمارهٔ این روزنامه موضوعات و مطالبی را که در روزنامه‌اش قصد داشت بنویسد، چنین بیان نمود: «انیس غیر از مباحث مختلفی که با خود دارد، مرتباً زیر عنوان قسمت‌های ذیل تفصیلات و معلومات خواهد داد:

قسمت اول - مقالات: در این قسمت مقالات روحی، اجتماعی و حیاتی و... درج خواهد شد.

قسمت دوم - قانون: به ذریعهٔ این قسمت، انیس می‌خواهد به مشترکین خود از صنف مأمورین دولت بهترین خدماتها را بنماید، زیرا همه متعلق به مباحث اداری و یا قانونی خواهد بود. مطالب قانونی، مطالب حقوقی، مباحث علمی قانونی، فلسفه و اساسات قانون، علوم شرح قانون، اصول تفسیر قانون، قواعد تطبیعی قانون و با دیگر مباحث شرعی و یا اصولی در این قسمت گنجانده خواهد شد.^۶

همچنین خبرهای پارلمان؛ خبرهای فنی، علمی، ادبی؛ سیری در ادبیات افغانستان و جهان؛ خبرهای مهم سیاسی افغانستان و جهان رویدادهای داخلی و خارجی از جمله موضوعاتی بودند که روزنامهٔ انیس بدان‌ها اهمیت می‌داد. یکی دیگر از موضوع‌هایی که مرحوم انیس بدان توجه داشت و همه روز تعدادی از صفحات انیس را به خود اختصاص می‌داد، مسایل خانه و خانه‌داری، آشپزی، بهداشتی، تعلیم و تربیت فرزندان، مسابقه‌های علمی و ادبی بود.^۷ به هر صورت مرحوم محمی‌الدین انیس با تأسیس و بنیان‌گذاری اولین روزنامهٔ ملی تا آنجا که در توان داشت، جهت روشن نمودن افکار عمومی کشورش نمود و در این راه، از هیچ خدمتی مضایقه نکرد.

هنوز پیش از دو سال از عمر روزنامهٔ انیس نگذشته بود که «بیجهٔ سقو» بر کابل تسلط پیدا کرد و با تسلط او تمام کارهای مطبوعاتی از رونق افتاد. مرحوم انیس هم مجبور شد که روزنامه را از انتشار باز دارد. در سال ۱۳۰۷ خورشیدی، مرحوم انیس که این وضع را نمی‌توانست تحمل کند به‌دستهٔ مخالفان بیجهٔ سقو که در ولایت پکتیا تشکیل شده بود و رهبری آن را نادر شاه بر عهده داشت، پیوست. وی در آن‌جا هم دست از تلاش مطبوعاتی برنداشت و در آن‌جا هم جریده را منتشر می‌کرد و جریانات روز را به‌اطلاع مردم می‌رساند. بعد از سقوط بیجهٔ سقو، مرحوم انیس دوباره کار مطبوعاتی را در کابل از سر گرفت. انتشار روزنامهٔ انیس تا سال ۱۳۱۷ خورشیدی با صاحب‌امتیازی و مسؤولیت محمی‌الدین انیس ادامه داشت، تا که در این سال، او بر اثر بیماری توبرکلوز در دنیا رفت.

مرحوم انیس علاوه بر کارهای روزنامه‌نگاری، چندین کتاب هم از

خود به یادگار گذاشت که «بحران و نجات» و «ندای طلبهٔ معارف» از معروف‌ترین آنها هستند.

بعد از فوت مرحوم انیس، نه تنها چراغی که او روشن کرده بود خاموش نشد، بلکه تازه جان گرفت و شعله‌ورتر شد. اولین کسی که بعد از او مسؤولیت روزنامهٔ انیس را عهده‌دار شد، مرحوم «سرور جويا» بود. سرور جويا در سال ۱۲۷۷ خورشیدی در شهر کابل به دنیا آمد. بعد از اتمام دورهٔ تحصیل، در سال‌های ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ با پدر خود «حاجی میرزا غلام‌حسین‌خان سررشته‌دار» به حیث کاتب کار کرد و بعد وارد فعالیت‌های سیاسی شد. این فعالیت‌ها تا سال ۱۳۰۳ خورشیدی ادامه داشت. سرور جويا از آن‌جا که علاقه‌ای شدید به مطبوعات داشت، برای تحصیل در این رشته به خارج سفر کرد و سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۶ خورشیدی را در ایران و اتحاد شوروی سابق به تحصیل مشغول بود.



وی در زمان تحصیل در شوروی، زبان روسی را نیز فراگرفت. جويا بعد از مراجعت از خارج و ورود به افغانستان، در شهر هرات اقامت گزید و در آن‌جا به نظم و ترتیب مطبوعهٔ دانش هرات پرداخت و تا سال ۱۳۰۷ به حیث مدیر این مطبوعه فعالیت نمود. بعد از آن، در سال ۱۳۰۷ در هرات به صفت نگارنده و مدیرمسئول و «اتفاق اسلام»^۸ انتخاب شد. انتخاب سرور جويا به حیث مدیرمسئول این روزنامه همزمان بود با انتشار روزنامهٔ «انیس» در کابل به مسؤولیت مرحوم انیس.

از آن‌جا که در روزنامهٔ اتفاق اسلام برخی نوشته‌های انتقادی علیه برخی افراد نوشته می‌شد، عده‌ای درصدد نابودی سرور جويا برآمدند و بالاخره او در شب ۵ جدی ۱۳۰۹ خورشیدی از طرف مخالفان خود مورد سوءقصد واقع شد، ولی از معرکه جان سالم به در برد و برای معالجه به هند برده شد. جويا بعد از صحت‌یافتن کامل دوباره به افغانستان برگشت، ولی این بار به هرات نیامد و راهی کابل شد و در





مجله اعضای انجمن ادبی کابل شامل شد. در این زمان، مرحوم انیس دچار بیماری شدیدی شده و دیگر قادر به کار کردن نبود. این‌جا بود که سرور جويا سرپرشی و مسؤولیت انیس را برعهده گرفت تا این‌که در سال ۱۳۱۷ خورشیدی، بعد از فوت انیس، او رسماً مدیر مسؤول روزنامه انیس شد. این مسؤولیت ادامه داشت تا این‌که در سال ۱۳۲۷ خورشیدی، جويا به خاطر فعالیت سیاسی و شرکت و عضویت در حزب وطن به زندان رفت و سرانجام به تاریخ ۱۵ جدی ۱۳۴۰ در سن ۶۳ سالگی وفات کرد.^{۱۱}

بعد از مرحوم «سرور جويا» مدیریت روزنامه انیس بر دوش یکی دیگر از یاران محی‌الدین انیس یعنی مرحوم «محمدامین خوگیا» افتاد. در زمان مدیریت او، ترتیب انتشار انیس از روزنامه به هفته‌نامه تغییر پیدا کرد. در این مرحله، بیشتر مطالب آن ذوقی و ادبی بود و بار سیاسی و انتقادی اش تا حد زیادی کاهش پیدا کرد. دوره خدمت امین خوگیا در انیس، از ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۹ خورشیدی ادامه پیدا کرد.

یکی دیگر از یاران مرحوم انیس که از ابتدای تأسیس این روزنامه با او همکاری بود، مرحوم «عبدالرشید لطیفی» بود. لطیفی کسی بود که هم دوران مدیریت محی‌الدین انیس را تجربه کرده بود و هم دوران مدیریت سرور جويا و محمدامین خوگیا و دیگران را.

مرحوم لطیفی در سال ۱۲۹۲ در کابل به دنیا آمد و بعد از اتمام تحصیلات و فراگرفتن زبانهای عربی، فرانسوی و روسی وارد فعالیت‌های مطبوعاتی شد. او هنوز بیش از ۱۵ سال نداشت که با محی‌الدین انیس آشنا شد و از همان زمان همکاری خود را با انیس آغاز کرد که این همکاری، تا پایان عمر او ادامه یافت. در آن زمان که مرحوم روزنامه رو به خاموشی رود و با همت فراوان او و دیگر یاران انیس، این چراغ فروغوش تر شد.

دوره خدمت مستقیم لطیفی در انیس، بار اول از سال ۱۳۱۹ خورشیدی آغاز شد و او در این دوره، موفق شد که مجدداً آن را از هفته‌نامه به روزنامه تبدیل کند و در چهار صفحه به قطع بزرگ انتشار دهد. این شیوه تا سال ۱۳۲۱ خورشیدی ادامه داشت تا این‌که در اثر بحران جنگ دوم جهانی که تأثیرات خود را در افغانستان هم گذاشت، انیس در چهار صفحه کوچک و با حروف قلمی به کار خود ادامه داد.

کارهایی که مرحوم لطیفی در آن سالها در انیس انجام داد، اغلب نویسنده‌ها به روزنامه تبدیل کنده و در چهار صفحه به قطع بزرگ انتشار دهد. این شیوه تا سال ۱۳۲۱ خورشیدی ادامه داشت تا این‌که در اثر بحران جنگ دوم جهانی که تأثیرات خود را در افغانستان هم گذاشت، انیس در چهار صفحه کوچک و با حروف قلمی به کار خود ادامه داد. کارهایی که مرحوم لطیفی در آن سالها در انیس انجام داد، اغلب نویسنده‌ها به روزنامه تبدیل کنده و در چهار صفحه به قطع بزرگ انتشار دهد. این شیوه تا سال ۱۳۲۱ خورشیدی ادامه داشت تا این‌که در اثر بحران جنگ دوم جهانی که تأثیرات خود را در افغانستان هم گذاشت، انیس در چهار صفحه کوچک و با حروف قلمی به کار خود ادامه داد.

خورشیدی چشم از دنیا فرو بست. یکی دیگر از یاران انیس که بعد از مرحوم لطیفی مکان روزنامه را در دست گرفت، محمدعثمان صدیقی بود. بعد از ورود او، تحولاتی بنیادین در انیس صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به بزرگ شدن قطع آن و انتشار سالنامه‌های جداگانه به عنوان هدیه انیس برای خوانندگان اشاره کرد که شامل موضوعات مختلف ادبی، تاریخی و اجتماعی بود. صدیقی تا سال ۱۳۲۶ مسؤولیت انیس را برعهده داشت و بعد از او این مسؤولیت را «محمد هاشم میوندوال» برعهده گرفت. از جمله رویدادهای زمان مسؤولیت میوندوال، تأسیس مجله «وزین وژوندون» بود که به‌حیث یک مجله فرهنگی، سال‌ها به‌طور مرتب منتشر می‌شد. مسؤولیت میوندوال در روزنامه انیس، تا سال ۱۳۲۸ ادامه پیدا کرد و در این سال بود که او به‌عنوان ریاست مستقل مطبوعات انتخاب شد. با رفتن میوندوال، بار مسؤولیت انیس را «محمدیوشن حیران» به دوش کشید و مدت یک‌سال این مسؤولیت را برعهده داشت، تا این‌که در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، «محمد آریاء» به این سمت برگزیده شد و تا سال ۱۳۳۲ هم به‌حیث صاحب‌امتیاز و هم به‌حیث مدیر مسؤول انیس ابقای وظیفه کرد.

در زمان مسؤولیت محمد یوشن حیران و محمد آریاء، تغییرات چندان مهمی در انیس صورت نگرفت. در سال ۱۳۳۲ مسؤولیت انیس به محمدخالد روشان تعلق گرفت و تا سال ۱۳۳۶ ادامه پیدا کرد. بعد از آن، محمدقاسم واجد مدیر مسؤول و تا نور ۱۳۳۸ به این خدمت ادامه داد. در زمان او، یکی از کسانی که به عنوان نویسندگان مطرح در روزنامه انیس کار می‌کرد، «محمدعلی عباسی» بود که وی بعد از «صباح‌الدین کشکی» مسؤولیت روزنامه را برعهده گرفت. عباسی هم به‌حیث نویسنده و هم به‌حیث مدیر مسؤول انیس زحمات زیادی در این راه کشید و می‌شود گفت که وی از آخرین حلقه‌های سلسله‌های نویسندگان بود که توسط مرحوم انیس ایجاد شده بود. از جمله کارهای ارزنده‌های که عباسی در انیس انجام داد، چاپ مرتب کلیشه تاریخی انیس بود که نام و مؤسس و سال تأسیس روزنامه را یادآوری می‌کرد و با خاطره مرحوم انیس را زنده نگه می‌داشت، خاطره کسی که تا کنون راهش ادامه دارد.^{۱۲}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مسجد «مدیه» همان مسجدی است که اکنون به مسجد غوثال شهرت دارد. زبان این نوشته ۱۳۱۱.
- ۲- وی یکی از معروف‌ترین کتابفروشان آن زمان در هرات بود که به شمس‌الدین... کتابفروش شهرت داشت.
- ۳- جایی که بعدها به سرای روشن‌فروشان معروف شد.
- ۴- به نقل از سالنامه انیس ۱۳۳۴ خورشیدی.
- ۵- همان منبع.
- ۶- به نقل از شماره اول روزنامه انیس (۱۵ نور ۱۳۰۶ خورشیدی).
- ۷- همان منبع.
- ۸- همان منبع.
- ۹- همان منبع.
- ۱۰- اتفاق اسلام روزنامه‌های محلی بود که هر روز در هرات منتشر می‌شد و هنوز هم انتشار آن ادامه دارد.
- ۱۱- به نقل از سالنامه روزنامه انیس (۱۳۳۴ خورشیدی).
- ۱۲- منابع این مقاله، سالنامه‌های «هفته‌نامه انیس» بود.

روزنامه

(۱۲) ...

آنچه در پی می‌آید، برگردان چند صفحه از کتاب محقق و افغانستان‌شناس امریکایی، لوئیس دوپری Louis Dupree است. وی چند سال را در افغانستان سپری کرده و تحقیق جامعی را در امور کشور ما تا سال ۱۳۵۱ انجام داده‌است. تمام کاستی‌ها در امر برگردان، متوجه من است. انتظار دارم که آقای دوپری عذر مرا بپذیرد. حتی اگر اقدام من باعث شود که کسی دیگر به ترجمه بهتر این صفحات همت کند، به آرزوی خود رسیدم. در عین حال امیدوارم این برگردان ضعیف بر آگاهی دوستداران فرهنگ کشور منطوق ما بیفزاید.



نشریات باید توسط افراد ذریع و علاقه‌مند تأمین مالی شوند و عمدتاً چنین علاقی نشان داده می‌شود. پس، همچنین کمبود ژورنالیست‌های ماهر و توانمند افغانی، حتی در نشریات تحت کنترل دولت، نمایان می‌شود.

در میان سایر نشریات ادواری، وزارت اطلاعات و کلتور انتشار تعدادی نشریه استانی را به عهده دارد. این نشریات، معمولاً مسیر مطبوعات روزانه دولتی در کابل یعنی انیس (زبان اصلی / فارسی)؛ اصلاح (زبان اصلی / پشتو)؛ هیواد (پشتو)؛ کابل تایمز (انگلیسی) را تعقیب می‌کنند. نقش مطبوعات تحت کنترل دولت، تا اندازه‌ای مبهم باقی می‌ماند. حکومت اظهار می‌کند که مطبوعات، با آزادی، افکار خود را بیان می‌دارند، اما هر چند سرفقالات گهگاهی نقاط کم‌اهمیت سیاست حکومت را مورد حمله قرار می‌دهند، انحراف بنیادی از خط دولت ناممکن است. به هر حال، از نظر یک دولت دموکراتیک برای گسترش فضای سالم، راه‌های گوناگون به دموکراسی می‌بایست آزادانه و مسؤولانه در وسایل نشراتی اپوزیسیون مورد بحث قرار گیرند. اندکی پس از اعلام قانون مطبوعات در جولای ۱۹۶۵، شش نشریه خصوصی منتشر شد: پیام امروز، خلق، مردم، وحدت، افغان ملت و مسوات.

نشریه خلق (توده یا مردم) یک تجربه جالب و آموزشی بود. ناشرلیبرال (نورمحمد ترمکی) و مدیر مسؤول آن (بارق شفیمی، شاعر معروف چچی) ۶ شماره آن را از ۱۱ آوریل تا ۱۶ مه ۱۹۶۶ منتشر کردند، پیش از آن که دولت در ۲۳ مه از انتشار آن جلوگیری کند. بسیاری از افغان‌ها تصمیم دولت را یک اشتباه می‌دانند.

در شماره‌های ۱ و ۲ و خلق که در یک مجلد چاپ شد، زیر عنوان سرخ‌رنگ نشریه، اعلان گردید که این «نشر صدای دموکراتیک خلق» است. سرفقاله‌ای که به دو زبان فارسی و پشتو چاپ گردید، مشکلات و مسائل افغانستان را به چهار دسته (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و

از لحاظ نظری، قانون اساسی ۱۹۶۴ افغانستان زمینه آزادی مطبوعات را فراهم کرد. از لحاظ عملی، قانون مطبوعات اعلام شده در جولای ۱۹۶۵ با ۸ فصل و ۵۵ ماده، کرشید چنین خواسته‌های را اجرا سازد. قانون مطبوعات را به عنوان مانع چنین کاری مورد انتقاد قرار داده‌اند، اما همین قانون موجب استقرار یک سلسله مقرراتی شد که تحت آن، مطبوعات آزاد حتی الامکان گسترش یافت. در میان ملتی با کمتر از ۱۰ درصد باسواد، نشریات اثر اندکی بر خارج از شهر دارد، اما از لحاظ سیاسی تأثیر بسیار زیادی بر جمعیت فزاینده باسواد شهری - به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان تحریک‌پذیر - بر جا می‌گذارد. قانون مطبوعات می‌گوشید راه میانی بین مطبوعات کاملاً آزاد و نظارت کامل حکومت را ببیند. در صحنه توسعه سیاسی افغانستان، آزادی کامل مطبوعات می‌گوشید راه میانی بین مطبوعات کاملاً آزاد و نظارت کامل برای نشریه‌ای که بیشتر اوقات نبود افراد مسؤول را به نمایش می‌گذارد، ممکن است به بی‌نظمی منجر شود و آشکارا نفوذ خارجی را به همراه بیاورد.

قانون مطبوعات که نشریات را به حفظ «اصول اسلام، سلطنت مشروطه و سایر ارزش‌های تقدیس شده در قانون اساسی» موظف کرده‌بود، آزادی عمل قابل توجهی به همه داد، به جز وابستگرایان سرخ‌تاز چپ و راست افراطی. ماده پنجم قانون، شرایطی را که در آن یک نشریه دوره‌ای ممکن است فعالیت کند، روشن می‌سازد: ناشر باید از وزارت اطلاعات و کلتور درخواست مجوز کند و در قبال کار حکومت در آینده وثیقه بگذارد. وثیقه برای روزنامه به میزان ۱۵۰۰۰ افغانی، برای هفته‌نامه ۱۰۰۰۰ افغانی و برای سایر نشریات دوره‌ای، مبلغ کمتری در نظر گرفته شده‌بود. همچنین، قیمت و منابع سرمایه‌های نشریه باید مشخص می‌گردید.

موانع موجود بر سر راه یک نشریه آزاد محلی در افغانستان، تقریباً رفع نشدنی می‌نماید. تعداد اندکی از بازرگانان افغان به آگاهی در نشریات باور دارند، زیرا بیشتر مشتریان آنها توانایی خواندن ندارند. بنابراین